

نقش سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانواده در موفقیت داوطلبان آزمون سراسری

دکتر سیدمرتضی نوربخش*

تاریخ دریافت: ۸۹/۴/۲۰

تاریخ پذیرش: ۸۹/۶/۳۰

چکیده

هدف این مقاله، بررسی تحلیل جامعه‌شناختی جایگاه و نقش خانواده در موفقیت داوطلبان آزمون سراسری است. فرضیه اصلی این تحقیق، به دنبال بررسی نقش سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و سرمایه اقتصادی خانواده در موفقیت داوطلبان آزمون سراسری است. جامعه آماری، دانشجویان پذیرفته شده رشته‌های پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، رشته برق و رشته حقوق دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳ هستند و حجم نمونه مورد نظر ۱۵۰ نفر از دانشجویان ممتاز رشته‌های یاد شده می‌باشد.

روش تحقیق، روش پیمایشی و ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته است. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Spss استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصل از تحقیق، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و سرمایه اقتصادی خانواده سهم مثبت و معنی‌داری در به دست آوردن رتبه‌های خوب و رشته‌های ممتاز کسب‌شده از سوی دانشجویان داشته است.

واژه‌های کلیدی: خانواده، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، سرمایه

اقتصادی، موفقیت، رشته ممتاز

* استادیار سازمان سنجش و آموزش کشور (Drnorbakhsh@gmail.com)

مقدمه

افزایش داوطلبان برای تحصیلات عالی در جهان، موجب گسترش مراکز آموزشی و ظرفیت پذیرش دانشجویان در رشته‌ها و گرایش‌های مختلف می‌شود، اما کمتر کشوری با گسترش کمی این گونه مراکز توانسته است، پاسخگوی خواسته‌های تمام علاقه‌مندان به تحصیلات عالی باشد (ساعی، ۱۳۷۴: ۲۵)؛ زیرا محدودیت ظرفیت مراکز آموزشی و بیکاری دانش‌آموختگان در مقابل افزایش روزافزون داوطلبان تحصیلات عالی، همچنان به عنوان مشکلات جامعه به قوت خود باقی است. بنابراین، تجدیدنظر در محتوا و روش‌های ورود به دانشگاه با مطالعه راه‌حل‌های جدید همواره مورد نظر پژوهشگران و مسئولان آموزش عالی کشورهاست (نورشاهی، ۱۳۷۸: ۷۸). بدین دلیل جا دارد که روش‌های دیگران در رابطه با مسائل آموزش عالی مورد بررسی قرار گیرد تا با استفاده از تجربیات آنان، در حل مسائل مربوط به آموزش عالی کشورمان بکوشیم. در حال حاضر، بسیاری از کشورها به دلیل افزایش داوطلبان برای ورود به دانشگاه‌ها به ناچار آزمون ورودی را به منظور حذف تعداد مازاد بر ظرفیت که برخی آن را انتخاب بهترین‌ها می‌نامند، برگزار می‌کنند. چنانچه یکی از ارکان اساسی توسعه در هر جامعه‌ای، موفقیت در تحصیل علم و آموزش در زمینه‌های تخصصی گوناگون و ایجاد فرصت‌های یکسان برای دستیابی همه افراد جامعه در تحصیل علم و آموزش در زمینه‌های تخصصی گوناگون و ایجاد فرصت‌های یکسان برای دستیابی همه افراد به این منابع است (کارنوی، ۱۳۶۵: ۲۲)، اما در جوامع مختلف و به ویژه جوامع توسعه نیافته در این راستا، با موانعی جدی روبرو هستند و سهم افراد از این سرمایه‌ها، به ویژه به نسبت پایگاه طبقاتی‌شان از یکدیگر متفاوت است. بنابراین، هدف اصلی این تحقیق، تحلیل و تبیین نقش متغیرهای اجتماعی در موفقیت داوطلبان آزمون ورود به دانشگاه‌ها، به استناد نظریه‌ها و رویکردهای جامعه‌شناسی آموزش و پرورش به ویژه رویکردهای جدید سرمایه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است.

پیشینه و ادبیات تحقیق

در تحقیق حاضر، سعی بر این است که عوامل مؤثر بر موفقیت‌های تحصیلی داوطلبان از جهت سرمایه‌های فرهنگی^۱، اجتماعی^۲ و اقتصادی^۳ افراد مورد بررسی قرار گیرد. مطالعاتی که در کشورهای گوناگون انجام شده نشان دهنده این است که زمینه‌های اجتماعی و خانوادگی، از عوامل مؤثر بر موفقیت‌های تحصیلی فرزندان بوده و در مشاغل و سطوح درآمدی بعدی آنان بازتاب می‌یابد (کلمن، ۱۳۷۷: ۲۷).

پژوهش‌های انجام شده

در فرانسه، سوئد، انگلستان و آلمان از دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ نشان می‌دهند که سطح خانواده رابطه معنی‌داری با دسترسی به فرصت‌های تحصیلی از جمله دانشگاه دارد (Ambler and Neatherly, 1999: 80).

در استرالیا در سال ۱۹۹۵ دانش‌آموزانی که والدین‌شان دارای تحصیلات دانشگاهی بودند، چهار برابر بیشتر از دانش‌آموزانی که والدین‌شان فاقد تحصیل دانشگاهی بودند وارد دانشگاه شده‌اند (Maslen, 1995: 42). در دانمارک دسترسی طبقات متوسط بالا در مقایسه با طبقات پایین به آموزش عالی پنج برابر بیشتر است (Shamai, 1999: 11).

در ایرلند عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تحصیلی والدین، دسترسی به آموزش عالی را آسان می‌کند. و دانشجویانی که پدران‌شان در مشاغل مدیریتی، کارفرمایی و یا فرهنگی بالا مشغول بودند در سال ۹۳ و ۹۲ بیش از سایر گروه‌های شغلی بوده‌اند (خبرنامه آموزش عالی اردیبهشت ۸۰). در فنلاند و فرانسه تحقیق بر روی دانشجویان فارغ‌التحصیل از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۷ نشان می‌دهد که اکثر پذیرفته‌شدگان در رشته‌های حقوق، اقتصاد، فنی و پزشکی متعلق به طبقات بالا بوده‌اند (Nevala, 1993: 37).

1. Cultural Capital
2. Social Capital
3. Economic Capital

در پایان، نتایج یک پایان‌نامه دکترای در امریکا این سؤال را مورد بررسی قرار می‌دهد که چگونه سرمایه اجتماعی در متن مدرسه، انتظارات تحصیلی و عملکرد تحصیلی جوانان امریکایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سرمایه اجتماعی، هنجارها و ارزش‌های تحصیلی که اثر مثبتی بر موفقیت‌های تحصیلی امریکایی‌ها دارد، را مشروعیت می‌بخشد - سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و انسانی نیز مؤثر بوده است - (ویمبرلی، ۲۰۰۰).^۱

در پژوهش‌های انجام‌شده در ایران نیز بین شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانواده با موفقیت در دانشگاه رابطه معنی‌داری دیده شده است.

تحقیق انجام‌شده در سال ۱۳۷۲ در دانشگاه تبریز، موفقیت تحصیلی دانشجویان متأثر از سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانواده را نشان می‌دهد و مهم‌ترین عوامل را خصوصیات مشخص شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌داند (سرندي، ۱۳۷۲).

مبانی نظری

اما تفاوت این مقاله با یافته‌های علمی قبلاً انجام شده در این است که نگاه آن به سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانواده‌ها و نیز مطالعه تأثیر آنها بر موفقیت افرادی است که توانایی پذیرفته شدن در رشته‌های ممتاز موجود در نظام آموزش عالی را داشته‌اند. آیا به راستی هوش و استعداد چنین افرادی است که آنان را در صدر لیست پذیرفته‌شدگان در دانشگاه‌ها قرار می‌دهد؟ یا عوامل سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانواده و حمایت‌های خانواده است که به عنوان نردبان ترقی نخبگان جامعه عمل می‌کند. وجه مشخصه در بررسی سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به عنوان عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی و پذیرش افراد در دانشگاه‌ها، وجود یا عدم وجود این سرمایه‌ها در داخل خانواده و بازتولید^۲ آنها از طریق فرزندان است. از میان

^۱. Wimberly
I. Reproduction

جامعه‌شناسان معاصر، پیر بوردیو^۱ (۱۹۸۵) برای اولین بار واژه سرمایه فرهنگی را به عنوان عاملی مؤثر بر پیشرفت تحصیلی و پذیرش افراد در نظام آموزش عالی مطرح کرد. بنا به عقیده وی، سرمایه فرهنگی به عنوان یک عامل، زمینه نابرابری‌هایی را فراهم می‌کند که به پاداش‌های آکادمیک متفاوت برمی‌گردد و در بازگشت به واسطه فرایند ابقاء و مشروعیت آن، به پاداش‌های اجتماعی و اقتصادی نابرابر منجر می‌شود. بوردیو از این رهگذر، بازتولید فرهنگی^۲ را نیز مطرح می‌کند. از طرف دیگر، جیمز کلمن^۳ (۱۹۸۰) نیز برای اولین بار واژه سرمایه اجتماعی را همراه با مفاهیم مختلف مرتبط با آن در تحقیقات آموزشی به کار گرفت. به زعم وی سرمایه اجتماعی باید با کارکردش تعریف شود و سرمایه اجتماعی شیئی واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که همه آنها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند و کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند، تسهیل می‌کنند (کلمن، ۱۳۷۷: ۳۲).

حال، سؤال این است که وضعیت سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در میان خانواده‌ها چگونه است؟ تأثیر آن یا به عبارتی رابطه آن با موفقیت تحصیلی فرزندان برای راهیابی به دانشگاه چیست؟ و نهاد خانواده چه نقش و کارکردی در رابطه با این مسائل دارد؟ در رابطه با این موضوع، تحقیقات بسیاری در کشورهای دیگری از سوی جامعه‌شناسانی مانند بوردیو، کلمن، جنکس^۴ و دیگران انجام شده است. به همین منظور، با عنایت به نظریه بازتولید و نظریه سرمایه فرهنگی پیربوردیو بحث نظری را دنبال می‌کنیم:

نظریه‌های بازتولید^۵

روی هم‌رفته نظریه‌های بازتولید را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

-
2. P.Bourdieu
 3. Cultural reproduction
 4. J.Coleman
 5. Jencks
 1. Reproduction Theory

الف) بازتولید اجتماعی^۱

ب) بازتولید فرهنگی^۲

اگر چه هر دو رهیافت نظری، متأثر از دیدگاه ستیز و به طور خاص اندیشه‌های کارل مارکس^۳ هستند، اما هر کدام به نوعی اصلاحات و قرائت‌های جدیدی را بر آراء مارکس افزوده و در بررسی سازوکار موفقیت‌های تحصیلی، آنان را به کار گرفته‌اند. در واقع، وجه مشترک هر دو دیدگاه این است که نظام آموزشی در خدمت بازتولید نابرابری‌هاست اما تفاوت این رویکردها در این است که هر کدام یکی از مؤلفه‌های نابرابری را در کانون توجه خود قرار می‌دهند:

برای نظریه بازتولید اجتماعی که عمدتاً متأثر از آراء مارکس است سرمایه اقتصادی^۴ رکن اساسی نابرابری است و نقش مهمی در بازتولید اجتماعی ایفاء می‌کند. در مقابل، در نظریه بازتولید فرهنگی، که متأثر از قرائت وبر از نابرابری است، سرمایه فرهنگی^۵ نقش مهمی در حفظ و تداوم نابرابری دارد.

بازتولید اجتماعی

مفهوم بازتولید اجتماعی در دهه هفتاد و در اروپای غربی به وسیله افرادی همچون یانگ^۶، برنشتاین^۷، بوردیو^۸ و پاسرون^۹، باولز و جین تیس که همگی از جامعه‌شناسان مارکسیست و نئومارکسیست هستند، مطرح شده است (Livingstone, 1987: 9).

بر اساس نظریه بازتولید اجتماعی، ویژگی‌های ساختار اجتماعی در طی دوره‌های زمانی حفظ یا دائمی می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۳: ۸۱۵).

^۱. Social Reproduction
^۲. Cultural Reproduction
^۳. Karl Marx
^۴. Economic Capital
^۵. Cultural Capital
^۶. Young
^۷. Bernstein
^۸. Bourdieu
^۹. Passeron

انتقاد اساسی بازتولیدی‌ها متوجه پابرجایی و تداوم نابرابری‌های اجتماعی از یک نسل به نسل دیگر و نقش مدرسه در انتقال این نابرابری‌هاست. آنان معتقدند که تجارب حاصل از مدرسه به حفظ تفاوت‌های اجتماعی - اقتصادی میان خانواده کمک می‌کند.

در واقع، مدارس با جای دادن نسل‌های جدید در نظام اجتماعی بیشتر به توجیه نابرابری‌ها می‌پردازند تا اصلاح آن (Sarup, 1987: 169).

پارکین^۱ عنوان می‌دارد که در جوامع سرمایه‌داری مدرن، بورژوازی با دو روش خودش را به عنوان یک طبقه تثبیت می‌کند، ابتدا با به انحصار درآوردن نهادهای مالکیت و سپس با صلاحیت‌های تحصیلی و علمی و مدارک (کانلی، ۲۰۰۱)^۲ بولز و جین تیس با ارائه نظریه همخوانی^۳ بر این نکته صحنه می‌گذارند که فعالیت‌ها و بازده‌های آموزشی با کل جامعه همخوانی دارد.

به عبارت دیگر، همه نظام‌های آموزشی در خدمت جوامع مربوط به خود هستند؛ به طوری که مناسبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بخش آموزش، آیین تمام‌نمای جامعه‌ای است که این نظام جزئی از آن است (کارنوی، لوین، ۱۳۶۷، ۲۵).

به طور مشخص اگر جامعه‌ای نابرابری شدید مردم در زمینه موقعیت و پایگاه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را تأیید می‌کند، آنگاه مدارس آن جامعه هم همان وضعیت را دقیقاً منعکس می‌کنند؛ یعنی عدم تساوی‌های وسیع جامعه، در مدارس به صورت بازده‌های آموزش نابرابر چه از نظر اختلاف در سال‌های تحصیلی و چه از لحاظ اختلاف کیفی آموزشی ظاهر می‌شود (کارنوی، لوین، ۱۳۶۷، ۳۵). بنابراین، مدارس با ارائه تجارب تحصیلی که هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی با یکدیگر متفاوت‌اند در خدمت تولید نیروی کار برای سطوح مختلف سلسله مراتب کار هستند (کارنوی، لوین، ۱۳۶۷، ۲۵۲).

^۱. Parkin

^۲. Conley

^۳. Correspondance Theory

به عقیده بوردیو و پاسرون، فهم هیچ پدیده آموزشی از قبیل نمودار حضور گروه‌های مختلف اجتماعی در مراحل آموزشی یا نمودار درصد دو جنس (زن و مرد) یا درصد فارغ‌التحصیلان و... امکان‌پذیر نیست مگر اینکه آن پدیده به نظام آموزشی و بنیان روابط طبقاتی ارجاع شود (اسماعیل، علی، ۱۳۷۷: ۱۷۲).

بر اساس نظریه همخوانی که قائل به تناظر بین نظام آموزشی و اقتصادی است، نقش مدارس عبارت است از آماده کردن شواهد عینی به شکل نمرات آزمون‌های استاندارد شده و میزان سال‌های تحصیلی که تفاوت شدید بین افراد را از نظر قابلیت‌ها (یعنی از لحاظ قدرت تولیدی) نشان می‌دهد.

بدین ترتیب، از طریق تجارب تحصیلی به فرزندان چنین تفهیم می‌شود که کاستی‌ها یا ضعف‌های بنیادی نظام موجود، در عدم ایجاد کار سودمند و مفید برای قشر وسیعی از مردم، ناشی از کمبود انگیزه‌ها و توانایی‌های خود آنان است.

تجربه شکستی که فرزند در مدرسه با آن مواجه می‌شود با تجربه شکست بعدی وی در محل کار همخوان است (کارنوی، ۱۳۶۷: ۷۴).

نظام جامعه‌پذیری طبقاتی که در مدارس و سایر نهادهای جامعه سرمایه‌داری منعکس است، خواهان دوام و بقای پدیده تقسیم کار بر اساس منشأ طبقاتی جوامع است. دانش‌آموزی که پدرش از طبقه کارگر است از کسی که پدرش دارای موقعیت شغلی بالاتر است، غالباً هزینه کمتری را می‌تواند صرف آموزش و پرورش خود کند و به احتمال قوی سال‌های کمتری را در مدرسه به تحصیل اشتغال خواهد داشت؛ چون میزان تحصیلات، مهم‌ترین تعیین‌کننده تحرک اجتماعی و کسب دستاوردهای شغلی است، پس تحصیلات کمتر فرزندان خانواده‌های طبقات پایین، آنان را وادار به محدود شدن در مشاغل پست و سطح پایین می‌سازد.

این واقعیت حاصل عمل تعدادی از عوامل اجتماعی‌کننده است که در تأیید ساخت طبقات هستند؛ مدرسه یکی از این عوامل به شمار می‌رود (کارنوی، لوین، ۱۳۶۷، ۲۵۲-۲۵۱).

باولز و جین‌تیس خاطر نشان می‌سازند که تغییرات در ساختار آموزش و پرورش، ارتباط تاریخی با تغییرات در سازمان اجتماعی تولید دارد. این حقیقت که تغییرات در ساختار تولید جلوتر از تغییرات مدرسه بوده است، نمونه کاملاً روشن و بدیهی بر اهمیت ساختار اقتصادی به عنوان یک تعیین‌کننده اصلی ساختار آموزشی است (Sarup, 1987: 169).

به نظر باولز و جین‌تیس، مدیران و دانش‌آموزان، معلمان و والدین، ارزش‌ها و هنجارهای‌شان را در باره کار، موفقیت، رقابت و پایگاه اجتماعی، عمدتاً از ارزش‌ها و هنجارهای جهانی رسمی سرمایه‌داری اخذ می‌کنند. بنابراین، مدارس (هم به صورت آگاهانه و هم از طریق آموزش‌های تخصصی) می‌کوشند که نیازهای سازمان سرمایه‌داری را برآورند و این کار از طریق تبدیل کودکان طبقات پایین به کارگران بهتر، تبدیل کودکان طبقات متوسط به مدیران کارآمد در اقتصاد صنعتی و نیز از طریق بازتولید مناسبات اجتماعی تولید در مدرسه، یعنی تلقین ارزش‌ها و هنجارهای حافظ سازمان کار سرمایه‌داری به اطفال: ورت می‌گیرد (کارنوی، لوین، ۱۳۶۷، ۱۸).

بدین منوال، مدارس با ارائه تجارب تحصیلی که هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی با یکدیگر متفاوت‌اند، در خدمت تولید نیروی کار برای سطوح مختلف سلسله مراتب کار هستند (کارنوی، لوین، ۱۳۶۷، ۲۵۲).

بازتولید فرهنگی

مفهوم بازتولید فرهنگی، اولین بار به وسیله جامعه‌شناس و نظریه‌پرداز فرهنگی فرانسه، پیر بوردیو، در اوایل دهه هفتاد مطرح شد. زمینه تجربی کار بوردیو حوزه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش در جامعه مدرن غربی بود. وی کارکرد آموزش و پرورش را بازتولید فرهنگ طبقات مسلط می‌داند (Jenks, 1993: 1).

مفهوم بازتولید فرهنگی اشاره به وسایلی دارد که به کمک آنها، مدارس بر یادگیری ارزش‌ها، نگرش‌ها و عادت‌ها تأثیر می‌گذارند و ارزش‌های متفاوت فرهنگی و شیوه‌های نگرش فراگرفته شده در اوایل زندگی را تقویت می‌کنند.

هنگامی که کودکان مدرسه را ترک می‌کنند، این عوامل برای برخی اثر محدودکننده‌ای در فرصت‌ها دارد و برای دیگران دارای اثرات تسهیل‌کننده می‌باشد. کودکانی که از زمینه‌های اجتماعی و خانوادگی طبقه پایین برخاسته‌اند، به ویژه کودکان گروه‌های اقلیت، شیوه‌های گفتار و رفتاری‌شان با شیوه‌های گفتار و رفتار مسلط در مدرسه مغایر است. کودکان طبقه پایین هنگامی که وارد مدرسه می‌شوند برخورد فرهنگی بسیار شدیدتری را تجربه می‌کنند تا کودکانی که از خانواده‌های مرفه‌تر هستند.

در واقع، گروه اول که خود را در یک محیط فرهنگی بیگانه می‌یابند، نه تنها کمتر احتمال دارد که در جهت عملکرد آموزشی بهتر برانگیخته شوند، بلکه شیوه‌های گفتار و رفتار عادی آنها نیز با شیوه‌های گفتاری و رفتاری معلمان همخوانی ندارد، حتی اگر هر یک تمام تلاش و کوشش خود را برای برقراری به عمل آورند (گیدنز، ۱۳۷۳، ۶۱).

بوردیو نقش خاصی را برای جامعه‌شناسی آموزش و پرورش در نظر گرفته و آن این است که این علم روابط بین بازتولید فرهنگی و بازتولید اجتماعی را بررسی می‌کند. برای تحقق این مهم، این علم باید سهم نظام آموزش و پرورش در بازتولید ساختار روابط قدرت، روابط نمادین بین طبقات و بازتولید ساختار توزیع سرمایه فرهنگی بین این طبقات را معین و مشخص کند.

بازتولید، یکی از مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی بوردیو است، وی در اثر خود با عنوان «وارثین» (۱۹۶۴)، و همچنین «بازتولید» (۱۹۷۰)، وی نهادهای آموزشی را به عنوان ارگان‌های «بازتولید ساختار و توزیع سرمایه فرهنگی، مورد نقد قرار می‌دهد و از توزیع نابرابر سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی سخن می‌گوید. از نظر وی سیاست دمکراتیزاسیون نهادهای آموزشی، مدرسه یا دانشگاه با هدف تخفیف نابرابری‌ها و در

دسترس عموم قرار دادن فرهنگ و دانش، شکست خورده است و نهادهای آموزشی عملاً همان ساخت سنتی توزیع سرمایه فرهنگی را رعایت کرده و نظم پیشین را بازتولید می‌کنند؛ در نتیجه، از این نهادها، باز همان «وارثین» هستند که با موفقیت سیر آموزش خود را طی می‌کنند و از مسابقه فرهنگی پیشرفت تحصیلی سربلند بیرون می‌آیند؛ چرا که فقط سرمایه اقتصادی نیست که منشأ نابرابری‌هاست، «سرمایه فرهنگی» نیز هست. میزان تحصیل فرد و خانواده‌اش و امکان دسترسی به آنچه که بورديو اموال سمبولیک، (فرهنگ، زبان، درک زیباشناسی) می‌نامد، به امکانات مالی ارتباط ندارد بلکه به دو عادات واره، در خصلت و در شیوه بودن» وی بستگی دارد (شریعتی، ۱۳۸۴).

بورديو مدعی است که نظام آموزش و پرورش به بهترین وجه ساختار توزیع سرمایه فرهنگی را در بین طبقات (و بخش‌هایی از یک طبقه) بازتولید می‌کند (Nakhaie and Curtis, 1998: 35).

آموزش مدرسه‌ای نقش مهمی را عهده‌دار است که همانا مشروعیت بخشیدن به (و متبرک دانستن) آثاری است که مدرسه آنها را به عنوان آثار ارزشمند و قابل ستایش عرضه می‌کند و بدین طریق در شکل‌گیری سلسله مراتب سرمایه فرهنگی که در جامعه‌ای مشخص و در زمانی معین اعتبار می‌یابد، کمک می‌کند (بورديو، ۱۳۷۸، ۱۰۹).

به زعم بورديو، در هم شکستن توالی و تسلسل نتایج فزاینده‌ای که موجب جذب و انباشت سرمایه‌های فرهنگی می‌شود، کاری بسیار دشوار است؛ زیرا در واقع، مدرسه فقط در آن حد عمل می‌کند که دستگاه اشاعه فرهنگ ابزار خود را آزادانه و به طور عینی بدون هیچ گونه تلاش و مداخله برای ارائه آن چیزهایی که به تعدادی از افراد از طریق توارث خانوادگی رسیده است، به دیگر افراد از طریق پیام آموزشی به حرکت در می‌آورد (بورديو، ۱۳۷۸: ۱۰۹).

برخلاف نظریه بازتولید اجتماعی که متأثر از نظریه مارکس به ویژه تحلیل وی در باب سرمایه اقتصادی و حفظ و تداوم نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی است، نظریه

بازتولید فرهنگی متأثر از تحلیل ماکس وبر^۱ در باب نقش و جایگاه گروه‌های منزلتی در جوامع معاصر است.

به نظر وبر، گروه‌های منزلتی، اغلب سبک زندگی یا شیوه رفتاری‌ای دارند که آنان را از بقیه افراد جامعه متمایز می‌سازد. درحالی که عضویت طبقاتی به میزان قدرت شخص در نظام اقتصادی دلالت می‌کند، گروه‌های منزلتی برحسب قدرتی ترسیم می‌شوند که از آبروی اجتماعی یا حیثیت^۲ توزیع شده در نظام منزلتی سرچشمه می‌گیرد (گرب، ۱۳۷۳، ۷۸).

در واقع، طبقه از عوامل اقتصادی مربوط به دارایی و درآمد سرچشمه می‌گیرد و منزلت (پایگاه) به وسیله شیوه‌های زندگی گوناگونی که گروه‌ها دنبال می‌کنند تعیین می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۳، ۲۲۶).

با تاسی به نظریه وبر، نظریه پردازان بازتولید فرهنگی بر نقش گروه‌های منزلتی و شیوه‌های زندگی آنان، ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورهای آنان تأکید دارند و آموزش و تحصیلات را یکی از ساز و کارهای اصلی حفظ و تداوم تفاوت در سبک زندگی، ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های گروه‌های مختلف اجتماعی می‌دانند.

رندل کالینز معتقد است که نقش بنیادی آموزش و پرورش در قشربندی باید بیشتر بر اساس سرمایه فرهنگی (منزلت) که در اختیار گروه‌ها قرار می‌گیرد، تعیین شود تا بر اساس قدرت اقتصادی (طبقه) (Husen, Postlethwaite, 1985: 4642).

بنابراین، برخلاف نظریه پردازان دیدگاه کارکردگرایی که معتقدند آموزش و پرورش برای کلیه افراد جامعه کارکرد دارد و به آنها منزلت می‌بخشد (Bestowal of Status)، نظریه پردازان دیدگاه‌ستیز و به طور خاص نظریه پردازان بازتولید فرهنگی قائل به این هستند که آموزش و پرورش منزلت را به گونه‌ای نابرابر توزیع می‌کند.

^۱ . Max Weber

^۲ . Prestige

کالینز بر اساس دیدگاه وبری، توجه خود را معطوف به تضادهای موجود در آموزش و پرورش می‌کند. وی نهادهای تحصیلی را حوزه‌هایی برای تخصیص فرصت‌های زندگی در جوامع مدرن می‌داند (Clark and Neave, 1992: 908).

بدین لحاظ، مفهوم سرمایه فرهنگی در کانون توجه نظریه‌پردازان بازتولید فرهنگی قرار می‌گیرد، به اعتقاد آنان هر خانواده بیشتر به صورت غیرمستقیم به کودکان خود یک سرمایه فرهنگی معین و خلق و خوی خاصی را انتقال می‌دهد.

این خلق و خوی نظامی از ارزش‌های پیچیده و عمیقاً درونی شده است که در کنار سایر عوامل، نسبت به نهادهای آموزشی نگرش‌هایی را به وجود می‌آورد. این سرمایه فرهنگی که چیزی متفاوت از طبقه اجتماعی است، در هنگامی که کودکان با سؤالات و آزمون‌ها روبه‌رو می‌شوند، باعث ایجاد نابرابری در نقطه شروع کودکان و در نتیجه، نابرابری در پیشرفت تحصیلی آنان می‌شود (Mc ; Esland; Dale, 1987: 110).
(Donald).

در نظریه بازتولید فرهنگی، به مدارک، مستقل از مهارت‌های خاص یا پاداشی که در بردارند، به عنوان ارزش منزلتی مهم نگریسته می‌شود که در تملک یا کنترل نخبگان قرار می‌گیرند تا به موقعیت‌های پر منزلت‌تر که پیش روی آنان است، دست یابند (Gomme and Micucci, 1999: 11).

باسیل برنشتاین^۱ با طرح مفهوم (قالب‌های زبانی) در چارچوب نظریه بازتولید فرهنگی به بررسی رابطه متقابل زبان و تعامل اجتماعی پرداخته و توانایی‌های زبانی را عامل مهمی در بازتولید فرهنگی طبقات می‌داند.

زبان محدود نوعی گفتار است که با محیط فرهنگی یک اجتماع یا محله طبقه پایین پیوند دارد. بسیاری از افراد طبقه پایین در یک فرهنگ نیرومند خانوادگی یا همسایگی که در آن ارزش‌ها و هنجارها بدیهی و مسلم انگاشته شده‌اند، و در زبان بیان نمی‌شود، زندگی می‌کنند. برعکس، تکامل زبانی کودکان طبقه متوسط، به نظر برنشتاین، متضمن

^۱. Basil Bernstein

فراگیری یک «زبان بسط یافته» است؛ یک شیوه سخنگویی که در آن معانی واژه‌ها می‌تواند فردیت یافته با وضعیت‌های خاص متناسب شود. شیوه‌هایی که کودکان طبقه متوسط به کمک آنها کاربرد زبان را یاد می‌گیرند کمتر به زمینه‌های خاص محدود می‌شود، کودک آسان‌تر می‌تواند اندیشه‌های انتزاعی را تعمیم دهد و آن را بیان کند. بدین‌سان، مادران طبقه متوسط، هنگامی که کودکان خود را کنترل می‌کنند، اغلب دلایل و اصولی را که مبنای واکنش‌های‌شان نسبت به رفتار کودک است، توضیح می‌دهند.

در حالی که یک مادر طبقه پایین ممکن است کودک را به خاطر اینکه می‌خواهد شیرینی زیاد بخورد تنها با گفتن اینکه «دیگر شیرینی نمی‌خوری!» سرزنش کند، یک مادر طبقه متوسط بیشتر احتمال دارد توضیح دهد که خوردن شیرینی زیاد برای سلامت شخص و وضعیت دندان‌ها بد است. کودکانی که زبان گفتاری بسط یافته را فرا گرفته‌اند، به گفته برنشتاین، بیشتر از کودکانی که از قالب زبان محدود فراتر نرفته‌اند می‌توانند تقاضای آموزش و پرورش رسمی را برآورده سازند. این بدان معنا نیست که کودکان طبقه پایین نوع گفتار پست‌تری دارند، یا اینکه قالب‌بندی‌های زبان آنان ناقص است، بلکه شیوه‌ای که آنان در گفتار استفاده می‌کنند با فرهنگ آموزش مدرسه برخورد پیدا می‌کنند. آنان که دارای زبان بسط یافته‌اند، بسیار آسان‌تر در محیط مدرسه انطباق پیدا می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۳، ۴۵۷).

بنابراین، به زعم برنشتاین کدهای زبانی به عنوان بخشی از سرمایه فرهنگی طبقات می‌تواند به نابرابری‌های تحصیلی و سرانجام به نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی منجر شود. کدهای زبانی طبقات مسلط (کد مبسوط) و هنجار زبانی^۱ آنان، مطلوب و معیار مورد توجه مدارس و نظام آموزش و پرورش قرار می‌گیرد (ترادگیل، ۱۳۷۶: ۱۷۴).

روی هم رفته، نظریه‌پردازان دیدگاه بازتولید فرهنگی با تأکید بر شیوه‌های جامعه‌پذیری و انتقال ارزش‌ها، هنجار و الگوهای رفتاری و گفتاری به کودکان و به عبارتی انتقال سرمایه فرهنگی از والدین به فرزندان، انتقال نابرابر سرمایه فرهنگی در بین طبقات

^۱. Linguistic norm

مختلف اجتماعی و حفظ و بازتولید این فرایند از طریق نظام آموزش و پرورش را به عنوان جایگزین تحلیل‌های مارکسیستی (بازتولید اجتماعی)، وارد حوزه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش کرده‌اند.

در عین حال، در تجربه ناموفق زیست مشترک هنر و جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی نیز مقصر است. مقصر است از آن رو که اغلب فراموش می‌کند که تولید هنری خود یک حوزه اجتماعی است که سنت‌ها، قوانین و تاریخ خاص خود را دارد و از خودمختاری نسبی برخوردار است. در اینجا، بوردیو از مفهوم حوزه یا میدان^۱ استفاده می‌کند. از نظر وی، در نتیجه فرایند تقسیم کار و تفکیک‌گذاری امور، جهان باز و کلان اجتماعی به میدان‌های کوچک و بسته بسیاری، از جمله میدان هنری، میدان سیاسی، میدان دانشگاهی، میدان دینی و... تقسیم شده است. این جهان‌های کوچک یا میدان‌ها، جزیی از جهان اجتماعی‌اند که به شکل خودمختار عمل می‌کنند. هر کدام منافع، مباحث، قوانین و اهداف خاص خود را دارند. هر فردی در آن واحد عضو میدان‌های بسیاری است و در هر میدان جایگاهی متفاوت دارد. شرط ورود به هر میدان، آشنایی و تسلط با قوانین داخلی آن است. هنر یکی از این میدان‌هاست. برای ورود به این میدان، باید با فرهنگ، زبان و ارزش‌های آشنا بود، در غیر این صورت از آن حذف می‌شوید و یا مورد خشونت نمادینش قرار می‌گیرید. «سرمایه فرهنگی» یعنی مدارک و تحصیلات، «سرمایه اجتماعی» به معنای مناسبات و روابط اجتماعی شدن است و اگر خانواده این میراث فرهنگی را برای فرزندانش به جا نگذارد، مدرسه و دانشگاه باید فرد را با این سرمایه آشنا و مجهز کنند؛ در حالی که عملاً می‌بینیم که دانشگاه از فرد انتظاراتی دارد که خود برآورده نمی‌کند و اصل را بر این قرار می‌دهد که فرد این معلومات را پیشاپیش کسب کرده است. در نتیجه، آنان که توانسته‌اند این دانستنی‌ها را در محیط خانوادگی‌شان کسب کنند، و پیش‌زمینه دارند، با خواندن و نوشتن و با

^۱. champs

محیط‌های فرهنگی مأنوس‌اند و درعمل موفق می‌شوند و دیگران شکست می‌خورند و این موفقیت در حوزه هنر بسیار نمایان‌تر است.

از نظر بوردیو، فقط به دلیل نداشتن امکانات مالی نیست که به یک کنسرت کلاسیک، موزه، یا به اپرا نمی‌رویم، بلکه احساس اینکه سر جای خود نیستیم، معذیبیم، و لباس پوشیدن ما، رفتار و داوری‌های مان با محیط اطرافمان متفاوت است، به عنوان مانعی پنهان عمل می‌کند و ما را از سرکشیدن به این حوزه‌ها باز می‌دارد. در نتیجه، عملاً سیادت میدان‌هایی چون میدان هنر که نیازمند آشنایی با زبان، قوانین و ارزش‌هایش است، به دست وارثان، یعنی صاحبان سرمایه‌های فرهنگی، سرمایه‌های اجتماعی و سرمایه‌های سمبلیک می‌افتد و آنان که از این سرمایه‌ها محرومند، هر چند که از سرمایه اقتصادی برخوردار باشند، در این میدان مورد «خشونت نمادین» قرار می‌گیرند (بوردیو، ۱۹۹۰: ۱۹).

نظریه سرمایه فرهنگی پیر بوردیو

پیر بوردیو در سال ۱۹۷۷ اولین بار مفهوم سرمایه فرهنگی را برای تحلیل اینکه چگونه فرهنگ و تحصیلات تعامل دارند و در بازتولید اجتماعی سهمیم هستند، به کار برده است (بوردیو، ۱۹۷۷).

وی به استناد تمایزی که وبر بین طبقه و گروه‌های منزلتی قائل است، به سیطره جبرگرایی اقتصادی سنت مارکسیستی بر ادبیات جامعه‌شناسی آموزش و پرورش پایان داده و با طرح کلید واژه سرمایه فرهنگی، رویکردی نوین در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش ارائه داده است.

بوردیو برداشتی از طبقه را ارائه می‌دهد که فراتر از مفهوم طبقه در نزد مارکس است. وی برخلاف مارکس، که طبقه را نظامی از حقوق مادی می‌داند، برداشت پیچیده‌ای از طبقه را مطرح می‌کند که انواع سرمایه، یعنی «سرمایه اجتماعی»، «سرمایه فرهنگی» و «سرمایه اقتصادی» را در بر می‌گیرد.

بر این اساس وی بین سه نوع سرمایه تفاوت قائل می‌شود

■ سرمایه اقتصادی، که درآمد پولی و سایر منابع مالی و دارایی‌ها و نیز تجلی نهادی آن یعنی حقوق مالی را در برمی‌گیرد.

■ سرمایه فرهنگی، گرایش‌ها^۱ و عادات^۲ دیرپا که در طی فرایند جامعه‌پذیری حاصل می‌شوند و نیز اهداف فرهنگی^۳ ارزشمند مانند صلاحیت‌های تحصیلی^۴ و فرهیختگی^۵ را شامل می‌شود.

■ سرمایه اجتماعی مجموع منابع بالفعل و بالقوه که کنش‌گران از طریق عضویت در شبکه‌های اجتماعی^۶ و سازمان‌ها به دست می‌آورند (Anheir, Gerhards, Romo, 1993: 100)

سؤالی که بورديو مطرح می‌کند این است که آیا انتقال سرمایه فرهنگی جایگزین انتقال سرمایه اقتصادی می‌شود؟ پاسخ وی منفی است؛ زیرا به نظر او: لاجت‌ها، توانایی‌های فکری و گواهی یا مدرک تنها نمایانگر نوع خاصی از سرمایه هستند که در بیشتر موارد به سرمایه اقتصادی افزوده می‌شوند. به عنوان مثال، یک عامل مهم در تشدید رقابت برای به دست آوردن صلاحیت‌های تحصیلی بدون شک آن است که افراد طبقه مسلط و طبقه متوسط با کمک سرمایه اقتصادی بیشترین استفاده را از آموزش و پرورش برای بازتولید اجتماعی خود می‌برند.

انواع سرمایه از نظر سیالیت^۷، قابلیت تبدیل^۸، فرسایش^۹ و تورم^{۱۰} با هم متفاوت‌اند.

^۱. Dispositions

^۲. Habits

^۳. Cultural Objects

^۴. Cultural Qualifications)

^۵. Training

^۶. Social Networks

^۷. Liquidity

^۸. Convertibility

^۹. Attrition

^{۱۰}. Inflation

سرمایه اقتصادی سیال‌تر است و به آسانی به سرمایه اجتماعی و فرهنگی تبدیل می‌شود. در مقابل، قابلیت تبدیل سرمایه اجتماعی به سرمایه فرهنگی پرهزینه‌تر است. سرمایه اجتماعی سیالیت کمتری دارد و در معرض فرسایش قرار می‌گیرد. با وجود اینکه تبدیل سرمایه اجتماعی به سرمایه فرهنگی دشوارتر است، تبدیل سرمایه فرهنگی به سرمایه اجتماعی آسان‌تر صورت می‌گیرد. اصولاً از آنجایی که بخش عمده‌ای از سرمایه فرهنگی معطوف به جنبه‌های ذهنی و نگرشی افراد است، تغییر و انباشتگی این سرمایه در افراد با کندی صورت می‌گیرد.

اما در مقابل، فردی که سرمایه فرهنگی بیشتری در اختیار دارد، بهتر می‌تواند دامنه تعاملات خود را گسترش داده و عضویت خود در شبکه‌های اجتماعی را افزایش دهد و به انباشتگی سرمایه اجتماعی موجود و در اختیار کمک کند.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که:

- سرمایه اقتصادی در مقایسه با سرمایه فرهنگی و اجتماعی با سرعت بیشتری به سرمایه‌های دیگر تبدیل می‌شود؛
- سرعت فرسایش و اضمحلال سرمایه اجتماعی به مراتب بیشتر از سرمایه اقتصادی و فرهنگی است؛
- سرمایه فرهنگی پابرجاترین و ثابت‌ترین سرمایه است.

به زعم بوردیو، سرمایه فرهنگی قابل تفکیک به سه مقوله است:

الف) سرمایه فرهنگی محاط‌شده^۱ بیانگر چیزهایی است که افراد می‌دانند و می‌توانند انجام دهند. در واقع، سرمایه فرهنگی محاط‌شده توانایی‌های بالقوه‌ای است که به تدریج بخشی از وجود فرد شده و در او تثبیت شده‌اند؛

¹ Embodied

ب) سرمایه فرهنگی عینی^۱ از جمله کالاهای فرهنگی و اشیاء مادی از قبیل کتاب، نقاشی و آثار هنری می‌باشد؛

ج) سرمایه فرهنگی نهادینه شده^۲ از جمله صلاحیت‌های تحصیلی که در قالب مدارک و مدارج تحصیلی عینیت پیدا می‌کنند و به دارنده آنها، هم از نظر قانونی و هم از نظر عرفی ارزش اجتماعی تعریف شده می‌دهد.

به لحاظ تحلیلی این سه نوع سرمایه می‌توانند با هم جمع نشوند، مثلاً فرد مورد نظر با وجود اینکه ذوق ادبی دارد، فاقد مدرک تحصیلی در زمینه ادبیات است.

بسیاری از شعرا فاقد مدرک تحصیلی رسمی در زمینه شعر و ادبیات هستند. برعکس، ممکن است فرد مورد نظر مدرک تحصیلی رسمی در زمینه ادبیات داشته باشد، اما فاقد ذوق ادبی و شعر باشد. همچنین وجود منابع و کتب ادبی در منزل الزاماً رابطه‌ای با تمایلات ادبی ندارد و ممکن است جنبه نمادین و تزئینی داشته باشد. نکته اساسی در بحث سرمایه فرهنگی این است که این سرمایه (به استثنای سرمایه فرهنگی عینی) به ارث نمی‌رسد، بلکه به طور ضمنی و در طی فرایند جامعه‌پذیری انتقال پیدا می‌کند.

در نظریه مارکس مالک سرمایه می‌تواند ارزش افزوده بیشتری تولید کند و سرمایه بیشتری را انباشته سازد یا به دیگران و از جمله فرزندان از طریق حقوق مالکیت یا ارث انتقال دهد. اما در مقابل، در نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو، مالکیت سرمایه فرهنگی به فرد اجازه می‌دهد در حوزه تولید فرهنگی اعمال کنترل کند. با وجود این، مالک سرمایه فرهنگی نمی‌تواند آن را به دیگران انتقال دهد و باید در فرایند تولید آن را مورد استفاده قرار دهد.

¹. Objective

². Institutionalized

در هر حال، به زعم بورديو هم سرمایه اقتصادی و هم سرمایه فرهنگی مآلاً سهم مهمی در نابرابری و بازتولید آن ایفاء و کشاکش‌های متعددی را در بطن زندگی اجتماعی ایجاد می‌کنند و از سوی دیگر، قابل تبدیل به یکدیگر هستند (بورديو و پاسرون، ۱۹۹۰).

به اعتقاد بورديو و بولتانسکی^۱ در راهبرد بازتولید طبقات صاحب سرمایه، تغییراتی ایجاد شده است. به نظر آنان قبلاً طبقات مسلط تداوم موقعیت‌شان را از طریق انتقال مستقیم سرمایه اقتصادی به فرزندان‌شان به واسطه قوانین ارث تضمین می‌کردند. با وجود این، جایگزینی گسترده مدیران در جایگاه‌های قدرت، قواعد عقلانی استخدام را ضروری ساخته است و تقاضا برای برابری هر چه بیشتر فرصت‌ها باعث ایجاد تغییر در روش‌های بازتولید طبقات مسلط شده است. آنان عنوان می‌دارند که لازمه راهبرد جدید بازتولید طبقات مسلط، دسترسی به آموزش عالی است، در واقع، آموزش عالی راهبرد جدید بازتولید است. به نظر بورديو، زندگی اجتماعی رقابت برای مزیت‌های نمادین است نه صرفاً مزیت‌های اقتصادی آن گونه که مارکس می‌گوید (بورديو و پاسرون، ۱۹۹۰: ۳۵).

ویژگی بارز نظریه سرمایه فرهنگی بورديو، تحلیل ساز و کار موفقیت‌های تحصیلی با عنایت به میزان برخوردارگی گروه‌ها و طبقات اجتماعی از این سرمایه است. دانش‌آموزانی که سرمایه فرهنگی بیشتری دارند - دانش‌آموزان خانواده‌هایی که مهارت‌ها و برتری‌های فرهنگ مسلط را در اختیار دارند - بهتر می‌توانند قواعد بازی را رمزگشایی کنند و بهتر می‌توانند مهارت‌ها و برتری‌های فرهنگی را که در مدارس پاداش می‌گیرند، در خود پرورش دهند، بنابراین، بهتر می‌توانند به سطوح بالای تحصیلی برسند (Aschaffenburg and Mass, 1997).

بر این اساس، طبقات مسلط نسبت به سایر طبقات سهم بیشتری از سرمایه فرهنگی می‌برند و بیشتر قادرند که این نوع سرمایه را در فرزندان‌شان به ودیعه بگذارند. با

^۱. Boltanski

افزایش سرمایه فرهنگی در نزد طبقات متوسط، عملکرد تحصیلی فرزندان ایشان افزایش می‌یابد.

به دلیل ارتباط متقابل نظام آموزشی و بازتولید فرهنگی می‌توان نتیجه گرفت که نظام آموزشی تمام ساختارها و ترجیحاً ساختار توزیع سرمایه فرهنگی در بین طبقات را بازتولید می‌کند.

بورديو در تحليل موفقیت‌های تحصیلی طبقات مختلف اجتماعی خاطر نشان می‌کند که همگام با گسترش سریع آموزش عالی، سرمایه فرهنگی به عنوان یک نیروی جدید در فرایند پایگاه - موفقیت وارد عمل می‌شود. به عقیده وی کودکان متعلق به زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی مسلط، در منزل غالباً در معرض فعالیت‌های فرهنگی بلند مرتبه قرار می‌گیرند و آنانی که سرمایه فرهنگی را در منزل کسب می‌کنند، احتمالاً در مدرسه موفق‌ترند و در نتیجه، شانس بیشتری برای رسیدن به سطوح بالای آموزش در مقایسه با دیگران دارند. کودکانی که سرمایه فرهنگی بیشتری دارند، برای گذراندن مواد درسی آماده‌ترند و ذوق بیشتری برای یادگیری مفاهیم ذهنی و انتزاعی دارند و در مقایسه با کودکانی که سرمایه فرهنگی کمتری دارند، بیشتر مورد توجه معلمان قرار می‌گیرند (Kalmija and Kraaykamp, 1997: 2).

نتایج تحصیلی متأثر از رفتار تحصیلی است و این رفتار نیز خود وابسته به سرمایه فرهنگی است که قبلاً از سوی خانواده سرمایه‌گذاری شده است (بورديو، ۱۹۸۶: ۲۴۴). در نظریه بازتولید فرهنگی بورديو، فرایند جامعه‌پذیری نقش اساسی در انتقال و انباشت سرمایه فرهنگی از یک نسل به نسل دیگر دارد. از آنجایی که سرمایه فرهنگی در طی جریان جامعه‌پذیری انتقال و اشاعه می‌یابد، کودکان طبقات مسلط در زمان ورود به مدرسه و در مقایسه با کودکان طبقه محروم، سرمایه فرهنگی بیشتری را در اختیار دارند و بنابراین، در طی دوران تحصیل سرمایه فرهنگی آنها انباشته می‌شود و سرعت این انباشتگی بیشتر از انباشتگی سرمایه فرهنگی کودکان طبقات محروم است. بر این اساس، اثر کلی سرمایه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی (مقدار مطلق سرمایه فرهنگی انباشته شده) در طول زمان ثابت است؛ یعنی کودکانی که دوران تحصیلی‌شان

را با سرمایه فرهنگی شروع می‌کنند، همیشه از نظر فرهنگی در مقایسه با دیگرانی که دوران مدرسه‌شان را بدون آن شروع کرده‌اند، مزیت بیشتری دارند (آسکافنبرگ و ماس: ۳).

سرمایه فرهنگی و نقش آن در موفقیت افراد^۱

یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای اندیشه پیر بودریو دسته‌بندی روابط بین مدرسه و نابرابری‌های اجتماعی است که به کمک مفاهیمی مثل (شیوه حضور فرد در جامعه) و «سرمایه فرهنگی» انجام شده است. این مفاهیم، از این جهت اهمیت دارند که بدون در نظر گرفتن شایستگی‌های فرهنگی فردی در اجتماع، بر روی نابرابری‌های صرفاً فرهنگی در مدارس انگشت می‌گذارند.

ما می‌توانیم (بی‌شک بی‌آنکه خیلی بزرگ‌نمایی کنیم) تفکر بودریو را در قالب دو عقیده عمده خلاصه کنیم. ابتدا، ناهمخوانی موفقیت (تحصیلی) طبقات مختلف اجتماعی که در تحقیقات دانشگاهی به چشم می‌خورد، اساساً به نابرابری میزان بهره‌مندی دانش‌آموزان از «سرمایه فرهنگی» بستگی دارد که از سوی سیستم تحصیلی و دست‌اندرکاران آن نادیده گرفته می‌شوند (حتی توجیه می‌شوند). ثانیاً، تفاوت‌های موجود در استفاده ابزاری از مدرسه به عنوان ابزاری برای ترقی اجتماعی باید به جلوه‌های مختلف حضور فرد در جامعه مربوط باشد. از آنجا که نحوه بودریو است که با همکاری حضور فرد در جامعه از طریق درونی کردن ساختارهای عینی شکل می‌گیرد،

^۱ . مقاله حاضر (Le Capital culturel peut-il expliquer les inegalites sociales devant l'ecole?)، یکی از ارزنده‌ترین کارهای صورت گرفته در باره نظریه سرمایه فرهنگی پیر بودریو است که با همکاری اینجانب به فارسی ترجمه شد و نسخه فرانسوی آن نزد اینجانب است. این مقاله نوشته Romain GENY است و تا ابتدای بحث «نظریه سرمایه اجتماعی» را شامل می‌شود.

بچه‌ها و خانواده‌های متعلق به طبقات عامی بر اساس واقعیات موجود، این ایده را در خود به وجود می‌آورند که شانس آنها برای موفقیت و ترقی بسیار ضعیف است.^۱ در اینجا به بررسی اصطلاح نخست «سرمایه فرهنگی» پرداخته می‌شود. این اصطلاح به وجود آمد تا برحسب طبقات اجتماعی، رابطه بین تأثیرات مثبت یا منفی، اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری خانواده بر روی بچه‌ها را از یک طرف و ویژگی‌های فرهنگی توقعات تحصیلی از طرف دیگر را مطرح کند. در زبان و همچنین در بعضی از اقدامات فرهنگی یا رفتاری که مدرسه ایجاد می‌کند، مدرسه به نوعی سرمایه فرهنگی اعتبار می‌بخشد که مستقیماً از طریق اجتماعی شدن خانوادگی در برخی محیط‌ها (غالب) کسب می‌شود.

عموماً اندیشه بوردیو را به صورت خودکار در مقابل این نظریه قرار می‌دهند که مسائل اجتماعی شدن و توقعات فرهنگی مطلق را برای بیان علت «ناابرابری شانس موفقیت» در مدرسه به خاطر تفاوت موجود در راهبردهای خانوادگی رد می‌کند، راهبردهایی که محاسبه هزینه‌ها و فواید سرمایه‌گذاری در مدرسه نقطه اشتراک همه آنهاست. وی همچنین «ناابرابری شانس» ارتقاء از طریق مدرسه به خاطر «تأثیر انباشتگی» ناخواسته این راهبردها را رد می‌کند.

به نظر می‌رسد، این تقابل کم کم، با بودن «به خاطر انتقاد بوردیو» و با بوردیو «به خاطر انتقاد از بودون» به پارادکس جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت تبدیل شده باشد. ما می‌خواهیم نشان دهیم که می‌توان «از قسمت بالا» از این قسمت خارج شد. کارهای B.Lahire در واقع، ابزار جالبی برای فراتر رفتن از نظریه بوردیو را فراهم می‌کنند. کارهای Lahire، بدون اینکه کاملاً حالت مخالف به خود بگیرند، نظریه بوردیو را نقد می‌کنند. در واقع، خصوصیت کارهایی که وی اخیراً انجام داده است، خواست بررسی مجدد و اساسی برداشت‌های بوردیو است؛ در حالی که شدیداً دامنه درستی و مناسبت

۲. در اینجا ما فقط به آنالیز مکانیسم‌های بنیادین روابط بین مدرسه و خانواده‌ها اکتفا می‌کنیم که از سوی Bourdieu و Passeron مطرح شده‌اند.

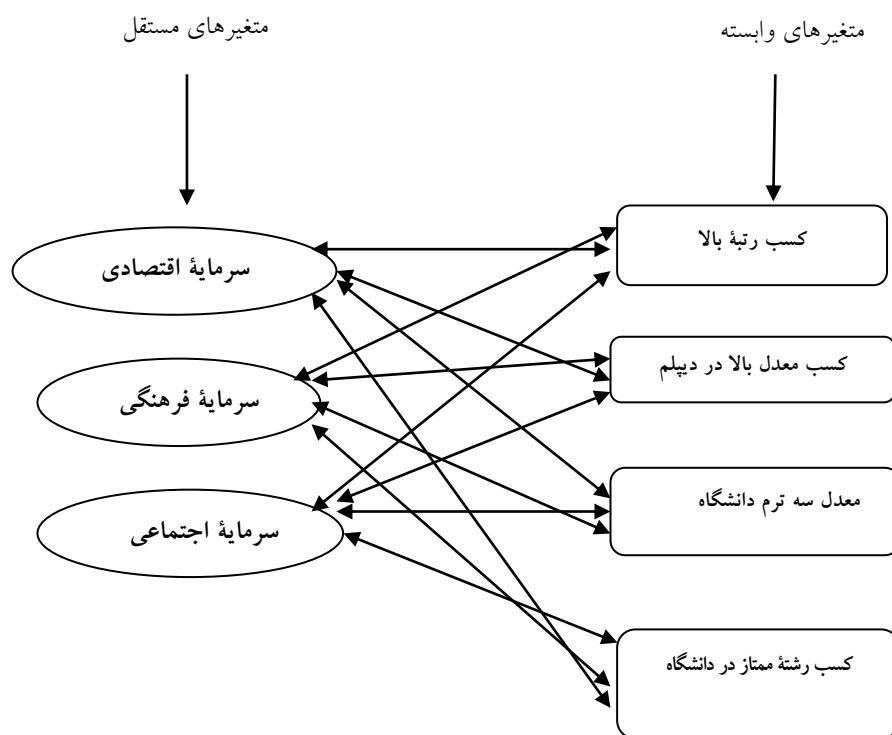
این برداشت‌ها را محدود می‌کنند و جایگاه واقعی آنها را برحسب پیشرفت‌هایی که تاکنون سبب شده‌اند و برحسب موانعی که از این پس بر سر راه شناخت ایجاد می‌کنند، نشان می‌دهند.

بدین ترتیب، نقد اصطلاح «سرمایه فرهنگی» که می‌توانیم در جداول خانوادگی شاهد آن باشیم، از اهمیت استفاده از همان طرح مسئله بوردیو (رابطه بین اجتماعی شدن خانوادگی و موفقیت تحصیلی) حکایت می‌کند؛ در حالی که نشان می‌دهد که اصطلاح مورد بحث زیاد هم برای پیشبرد شناخت نابرابری‌های اجتماعی در جامعه‌شناسی مناسب نیست.

ما سعی خواهیم کرد، با تکیه مستقیم بر این اثر نشان دهیم که اصطلاح و برداشت سرمایه فرهنگی می‌تواند مانعی بر سر راه شناخت روابط بین خانواده‌ها و مدرسه باشد و آنگاه ببینیم که شاید با روش و رویکرد B.Lahire، تحت عنوان «پیکربندی‌های خانوادگی»، این روابط، یعنی رابطه بین خانواده و مدرسه، بهتر درک شوند و تأثیرات این سه سرمایه را بر موقعیت بسنجیم.

بر این اساس در اینجا با عنایت به سه نظریه کارکردگرایی^۱، نظریه تضادگرایی^۲ و نظریه‌های بازتولید^۳ و همچنین نظریه سرمایه فرهنگی پیربوردیو را مطرح می‌کنیم. بنابراین، می‌توان از این یافته‌ها نتیجه گرفت که ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانواده‌ها نقش مهم و بی‌بدیلی در موفقیت فرزندان‌شان برای ورود به دانشگاه‌ها در رشته‌های مهم و ارزنده داشته و همچنین زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی خانواده‌ها از جمله عوامل مؤثر بر عملکرد تحصیلی فرزندان است و در مشاغل و سطوح درآمدی بعدی آنان بازتاب می‌یابد.

1. Functionalism
2. Conflict Theory
3. Reproduction Theory



نمودار ۱- عوامل تأثیرگذار بر موفقیت تحصیلی

مدل نظری تحقیق

اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق، در شناخت عوامل تأثیرگذار سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانواده‌های ایرانی و نقش آن در توفیق داوطلبان کنکور سراسری است که با توجه به نحوه پذیرش دانشجو و سازوکار برگزاری آزمون سراسری دانشگاه‌ها، ظرفیت محدود پذیرش دانشگاه‌ها و عدم تناسب ظرفیت‌های موجود با تقاضای روزافزون متقاضیان، تورم تقاضا در پاره‌ای از رشته‌های تحصیلی و... از جمله چالش‌های اساسی در عرصه رقابت برای ورود به دانشگاه است و از جمله مسائل اساسی و بحث برانگیز در طی سال‌های اخیر بوده است.

فرضیه‌های تحقیق

- بین سرمایه فرهنگی خانواده داوطلبان ورود به دانشگاه و رتبه بالای داوطلب رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین سرمایه اجتماعی خانواده داوطلبان ورود به دانشگاه و معدل و رتبه بالای داوطلب رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین سرمایه اقتصادی خانواده داوطلبان ورود به دانشگاه و رتبه داوطلب رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین متغیر ترکیبی سرمایه‌های سه‌گانه و کسب قبولی در رشته ممتاز در آزمون ورودی دانشگاه‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین متغیر ترکیبی سرمایه‌های سه‌گانه و کسب معدل دیپلم رابطه وجود دارد.
- بین ترکیبی از سرمایه سه‌گانه و معدل سه ترم دانشگاه رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

با توجه به مسئله و چگونگی ماهیت شرایط موجود، روش تحقیق به کار رفته در این تحقیق، پیمایشی است و بر اساس هدف، این تحقیق از نوع کاربردی است. جامعه آماری تحقیق، پذیرفته‌شدگان سال ۱۳۸۴ رشته‌های تحصیلی‌ای را شامل می‌شود که بالاترین تقاضای اجتماعی در گروه‌های آزمایشی تجربی، ریاضی و انسانی را داشتند؛ مانند پزشکی، حقوق، برق و بر اساس اعلام سازمان سنجش آموزش کشور، به عنوان رشته‌های ممتاز در هر گروه شناخته می‌شدند. با توجه به اینکه برای همگن بودن افراد مورد تحقیق، باید پذیرفته‌شدگان در یک رشته خاص مورد تمام‌شماری قرار می‌گرفتند؛ بنابراین، افراد پذیرفته‌شده در سه رشته ممتاز با حذف پذیرفته‌شدگان سهمیه‌دار به عنوان حجم نمونه انتخاب و به تکمیل پرسشنامه پرداختند. شایان ذکر است که این تعداد، ۱۵۰ نفر را شامل می‌شد که در واقع، بر روی آنان تحقیق می‌شد. ظرفیت دفترچه

کنکور در هر یک رشته‌های انتخاب شده حدوداً تعداد ۶۰ نفر بوده است که ۱۰ نفر با سهمیه‌های مختلف و ۵۰ نفر بدون اعمال سهمیه پذیرفته شده‌اند. به منظور جمع‌آوری اطلاعات مربوط به سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خانواده، اطلاعات جمعیت‌شناختی (نوع مدرسه، وضع مالی خانواده، جنسیت، تحصیلات والدین، سن، میزان درآمد خانواده، تهیه کتب و جزوات، علت موفقیت) از پرسشنامه استفاده شده است.

سرمایه فرهنگی

بوردیو سرمایه اجتماعی را به مؤلفه‌های مختلفی تقسیم می‌کند که یکی از آنها سرمایه فرهنگی است به زعم وی این سرمایه شامل کالاهای فرهنگی و اشیاء مادی است.

شاخص‌های مورد نظر عبارت‌اند از: منابع آموزشی و کمک آموزشی موجود در منزل شامل کتب درسی، فیلم و سی‌دی‌های آموزشی نرم‌افزاری، دیسک‌های آموزشی، اتاق مخصوص مطالعه، کتابخانه شخصی، پژوهش‌های دی‌گرافت (۱۹۸۶) و کالیمین واکرای (۱۹۹۶) و تیمچن (۱۹۸۹) رابطه مثبتی بین رفتار فرهنگی والدین و موفقیت تحصیلی فرزندان‌شان را نشان داده است (Carbony, 1998).

سرمایه فرهنگی نهادینه شده، از طریق معرف‌های تجربی زیر اندازگیری شده است.

سطح تحصیلات والدین

میزان آگاهی و اطلاعات والدین درمورد آموزش عالی کشور، مسائل مربوط به کنکور، انتخاب رشته و میزان اهمیت تحصیلات و امور تحصیلی فرزندان در نزد والدین و بالا بودن ارزش تحصیلی.

سرمایه اجتماعی

بسیاری از متخصصان، برای سنجش سرمایه اجتماعی، ارتباط درون خانوادگی، سن خانوادگی و ارتباط با دوستان را به عنوان شاخص‌های اساسی مورد نظر قرار داده‌اند. در این مقاله سرمایه اجتماعی در درون خانواده در روابط بین اعضای خانواده مخصوصاً والدین و فرزندان تجلی پیدا می‌کند.

سرمایه اجتماعی از طریق دوستان هم در اختیار قرار می‌گیرد و اثر بیشتری بر موفقیت تحصیلی فرزندان دارد. توجه و مراقبت والدین هم مفاهیم مهمی در سرمایه اجتماعی می‌باشد. افزایش سطح حمایت والدین از قبیل کمک‌های مطالعاتی در منزل، کنترل رفتار فرزندان، واکنش به نمرات درسی و توجه به دروس، باعث می‌شود دانش‌آموزان تشویق شوند تا دبیرستان را به اتمام برسانند و در آزمون سراسری موفق شوند.

با توجه به مبانی نظری این مقاله شاخص‌های زیر به عنوان متغیر سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند:

- میزان حضور والدین در مدرسه با عنوان اعضاء اولیاء و مربیان و حضور در مدرسه در مناسبت‌های خاص،
- توجه والدین به فعالیت‌های درسی فرزندان،
- نظارت بر امور تحصیلی فرزندان،
- واکنش به نمرات درسی و توجه به دروس،
- بحث و گفت‌وگوی والدین و فرزندان درباره امور آینده تحصیلی،
- سطح حمایت والدین در امور تحصیلی.

سرمایه اقتصادی

منظور از سرمایه اقتصادی، سرمایه مبتنی بر درآمد مالی و منابع مالی و دارایی است. برای سنجش سرمایه اقتصادی، امکانات و وسایل منزل، امکانات و وسایل اختصاصی دانش‌آموز، منطقه سکونت، درآمد و هزینه‌های تحصیلی مورد نظر قرار گرفته است. بعد

از تعیین شاخص‌های مربوط به متغیرهای سرمایه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، از ترکیب شاخص‌های مربوط به هر متغیر یک شاخص نهایی و ترکیبی برای هر متغیر مشخص شده است و با استفاده از نرم‌افزار Spss سطح سنجش تبدیل به متغیر فاصله‌ای شده است.

رشته‌های ممتاز

بر اساس اطلاعات سازمان سنجش آموزش کشور در سال ۸۴-۱۳۸۳ در هر گروه آزمایشی (ریاضی، علوم انسانی و علوم تجربی) بیشترین درخواست رتبه‌های بالا برای رشته‌های برق، حقوق و پزشکی بوده است که به این رشته‌های ممتاز نام نهاده‌ایم.

جدول ۱- آزمون همبستگی متغیر سرمایه‌های سه‌گانه موجود در خانواده و کسب

رتبه‌های برتر در آزمون ورودی دانشگاه‌ها

سطح معنی‌داری	تعداد	مقدار I پیرسون
۰/۰۰۰	۱۵۰	۰/۷۷

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون در باره دو متغیر سرمایه‌های سه‌گانه موجود در خانواده و کسب رتبه‌های برتر در آزمون ورودی دانشگاه‌ها (جدول ۱) ($\text{Sig (2-tail)} = ۰/۰۰۰$)، می‌توان بیان کرد که بین متغیر سرمایه‌های سه‌گانه موجود در خانواده و کسب رتبه‌های برتر در آزمون ورودی دانشگاه‌ها رابطه وجود دارد، تأیید شده و با توجه به مثبت بودن رابطه، جهت آن نیز مثبت است. بدین معنی که هر چه سرمایه‌های سه‌گانه موجود در خانواده بالاتر و بیشتر باشد، شرایط و امکان به دست آوردن رتبه ممتاز نیز برای فرزندان آن خانواده بیشتر و آماده‌تر می‌شود. همچنین با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون در باره دو متغیر سرمایه‌های سه‌گانه موجود در خانواده و کسب معدل دیپلم

بالا ($\text{Sig (2-tail)} = ۰/۰۰۲$)، می‌توان بیان کرد که بین متغیر سرمایه‌های سه‌گانه موجود در خانواده و کسب معدل دیپلم بالا رابطه وجود دارد و با توجه به مثبت بودن رابطه، جهت آن نیز مثبت است. بدین معنی که هر چه سرمایه‌های سه‌گانه موجود در خانواده بالاتر و بیشتر باشد، شرایط و امکان به دست آوردن معدل دیپلم بالا برای فرزندان آن خانواده نیز بیشتر و آماده‌تر می‌شود. همچنین با توجه به معنی‌دار بودن رابطه، این نتیجه را می‌توان به کل جامعه آماری نیز تعمیم داد.

جدول ۲- آزمون همبستگی متغیر سرمایه‌های سه‌گانه موجود در خانواده و کسب

معدل دیپلم بالا

سطح معنی‌داری	تعداد	مقدار I پیرسون
۰/۰۰۲	۱۵۰	۰/۲۵۲

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون در باره دو متغیر سرمایه فرهنگی خانواده و کسب رتبه‌های برتر در آزمون ورودی دانشگاه‌ها ($\text{Sig (2-tail)} = ۰/۰۰۰$)، می‌توان بیان کرد که بین متغیر سرمایه فرهنگی خانواده و کسب رتبه‌های برتر در آزمون ورودی دانشگاه‌ها رابطه وجود دارد، و با توجه به مثبت بودن رابطه، جهت آن نیز مثبت است. بدین معنی که هر چه سرمایه فرهنگی خانواده بالاتر و بیشتر باشد، شرایط و امکان به دست آوردن رتبه ممتاز برای فرزندان آن خانواده نیز بیشتر و آماده‌تر می‌شود. همچنین با توجه به معنی‌دار بودن رابطه، این نتیجه را می‌توان به کل جامعه آماری نیز تعمیم داد.

جدول ۳- آزمون همبستگی متغیر سرمایه فرهنگی خانواده و به دست آوردن

رتبه بالا

سطح معنی‌داری	تعداد	مقدار I پیرسون
---------------	-------	----------------

۰/۰۰۰	۱۵۰	۰/۵۳
-------	-----	------

همچنین با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون در باره دو متغیر سرمایه اقتصادی خانواده و کسب رتبه‌های برتر در آزمون ورودی دانشگاه‌ها (Sig (2-tail) = ۰/۰۰۰)، (جدول ۴) می‌توان بیان کرد که بین متغیر سرمایه اقتصادی خانواده و کسب رتبه‌های برتر در آزمون ورودی دانشگاه‌ها رابطه وجود دارد و با توجه به مثبت بودن رابطه، جهت آن نیز مثبت است. بدین معنی که هر چه سرمایه اقتصادی خانواده بالاتر و بیشتر باشد، شرایط و امکان به دست آوردن رتبه ممتاز برای فرزندان آن خانواده نیز بیشتر و آماده‌تر می‌شود. همچنین با توجه به معنی‌دار بودن رابطه، این نتیجه را می‌توان به کل جامعه آماری نیز تعمیم داد.

جدول ۴- آزمون همبستگی متغیر سرمایه اقتصادی خانواده و به دست آوردن

رتبه بالا

سطح معنی‌داری	تعداد	مقدار I پیرسون
۰/۰۰۰	۱۵۰	۰/۶۸

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون در باره دو متغیر سرمایه اجتماعی خانواده و کسب رتبه‌های برتر در آزمون ورودی دانشگاه‌ها (Sig (2-tail) = ۰/۰۰۰)، (جدول ۵) می‌توان بیان کرد که بین متغیر سرمایه اجتماعی خانواده و کسب رتبه‌های برتر در آزمون ورودی دانشگاه‌ها رابطه وجود دارد و با توجه به مثبت بودن رابطه، جهت آن نیز مثبت است. بدین معنی که هر چه سرمایه اجتماعی خانواده بالاتر و بیشتر باشد، شرایط و امکان به دست آوردن رتبه ممتاز برای فرزندان آن خانواده نیز بیشتر و آماده‌تر می‌شود. همچنین با توجه به معنی‌دار بودن رابطه، این نتیجه را می‌توان به کل جامعه آماری نیز تعمیم داد.

جدول ۵- آزمون همبستگی متغیر سرمایه اجتماعی خانواده و به دست آوردن

رتبه بالا

سطح معنی داری	تعداد	مقدار r پیرسون
۰/۰۰۰	۱۵۰	۰/۵۴

در نهایت به تحلیل رگرسیونی چندگانه از داده‌ها و روابط بین متغیرها می‌پردازیم. هدف از این تحلیل، مشخص کردن سهم و تأثیر متغیرهای عمده تحقیق در تبیین ابعاد دوگانه موفقیت فرزندان است. به عبارت دقیق‌تر، رگرسیون چند متغیری به تبیین و پیش‌بینی واریانس متغیرهای وابسته کسب رتبه برتر در آزمون ورودی دانشگاه‌ها و کسب معدل بالا در دیپلم و همچنین سه ترم تحصیلی دانشگاه کمک می‌کند و این کار را از طریق برآورد میزان نقش و مشارکت متغیرها در ایجاد واریانس انجام می‌دهیم.

مدل خطی چند متغیره در جبر ماتریس را می‌توان در معادلات زیر نشان

داد:

$$Y = \beta_0 X_0 + \beta_1 X_{1i} + \beta_2 X_{2i} + \dots + \beta_n X_{ni} + \varepsilon_i$$

$$B = (X X)^{-1} X Y$$

بنابراین، هدف، پیش‌بینی تغییرات متغیرهای وابسته که معناداری رابطه آنها در آزمون‌های همبستگی پیشین مورد تأیید قرار گرفته است (رتبه کسب شده از سوی پذیرفته‌شدگان رشته‌های ممتاز دانشگاه و معدل دیپلم)، بر اساس مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل (سرمایه‌های سه‌گانه) می‌باشد.

مدل رگرسیونی متغیر کسب رتبه بالا در کنکور

در این مدل، عوامل سرمایه‌های سه‌گانه، جنسیت، تعداد اعضای خانواده و ترتیب تولد در خانواده به عنوان متغیرهای مستقل وارد معادله شده‌اند. بر اساس مدل رگرسیونی به

دست آمده، در مجموع، متغیرهای فوق حدود ۶۲ درصد تغییرات متغیر وابسته (کسب رتبه بالا در کنکور) را تبیین می‌کنند ($R^2=0/623$). همان طور که جدول ۴ نشان می‌دهد، میزان همبستگی چندگانه (R) $0/79$ و R^2 اصلاح شده^۱ برابر $0/62$ است. این نتیجه نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از متغیر کسب رتبه بالا در کنکور، از سوی متغیرهای مستقل قابل تبیین است. لازم به ذکر است که، در میان مجموع متغیرهایی که وارد مدل شده‌اند، سه متغیر سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی موجود در خانواده تأثیر کاملاً معنی‌داری روی متغیر وابسته دارند و به طور شاخص متغیر سرمایه اقتصادی خانواده، حدود نیمی از تغییرات ($R^2=0/51$) متغیر وابسته را تبیین می‌کند. علاوه بر آن، از میان متغیرهای وارد شده به مدل، متغیرهای جنسیت، تعداد اعضای خانواده و ترتیب ولادت از مدل خارج شده‌اند که اطلاعات رگرسیونی آن را مشاهده می‌کنید.

جدول ۶- شاخص‌ها و آماره‌های تحلیل رگرسیون چند متغیری کسب رتبه بالا در کنکور

0/79	Multiple R	ضریب همبستگی چندگانه
0/63	R Square	ضریب تبیین
0/62	Adjusted R Square	ضریب تبیین واقعی
روش : Stepwise		

1. Adjusted R Square

تعداد گام‌های طی شده برای رسیدن به مدل نهایی: ۳ گام

جدول ۷- تحلیل واریانس رگرسیون چند متغیری کسب رتبه بالا در کنکور

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	کمیت F	سطح معنی داری
اثر رگرسیون	۵۷/۴۰	۳	۱۹/۱۳	۷۵/۷۷	۰/۰۰۰
اثر خطا (باقیمانده)	۳۳/۵۸	۱۳۳	۰/۲۵۳		
کل	۹۰/۹۹	۱۳۶	----		

جدول ۸- متغیرهای وارد شده به مدل (بر اساس روش Stepwise)

شاخص‌های هم‌خطی	Sig.	t	ضریب رگرسیونی استاندارد شده (Beta)	اشتباه معیار	ضریب - رگرسیونی (B)	نام متغیر
-----	۰/۰۰۰	-۷/۰۱۲	-----	۰/۳۴۱	-۲/۳۸۹	عرض از مبدأ (Constant)
۱/۳۳۸	۰/۰۰۰	۸/۶۳۱	۰/۵۲۶	۰/۰۰۵	۰/۰۴۳	سرمایه اقتصادی
۱/۱۵۲	۰/۰۰۰	۴/۵۷۱	۰/۲۵۸	۰/۰۰۷	۰/۰۳۱	سرمایه فرهنگی
۱/۲۴۷	۰/۰۰۰	۴/۰۰۸	۰/۲۳۶	۰/۰۱۵	۰/۰۶۱	سرمایه اجتماعی

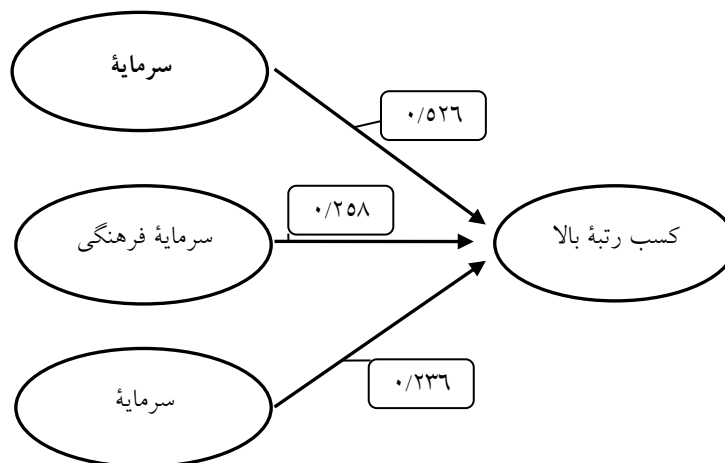
جدول ۹- متغیرهای خارج شده از مدل رگرسیونی (بر اساس روش Stepwise)

همبستگی جزئی	Sig.	t	Beta In	نام متغیر
-۰/۰۷۷	۰/۳۷۸	-۰/۸۸۵	-۰/۰۴۷	جنسیت
۰/۱۱۳	۰/۱۹۳	۱/۳۰۹	۰/۰۶۹	تعداد اعضای خانواده
-۰/۰۶۱	۰/۴۸۱	-۰/۷۰۷	۰/۰۳۹	ترتیب ولادت

شایان ذکر است که اگر متغیر وارد مدل می‌شد، هرکدام چه تغییراتی پیدا می‌کردند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی چندگانه متغیرهای موجود در معادله را می‌توان به صورت استاندارد شده و در رابطه ریاضی زیر، چنین نشان داد:

$$Y^* = \beta_0^* X_0 + \beta_1^* X_{1i} + \dots + \beta_n^* X_{ni} + \varepsilon_i$$

کسب رتبه بالا در کنکور = ۰/۵۲۶ (سرمایه اقتصادی خانواده) + ۰/۲۹۸ (سرمایه فرهنگی خانواده) + ۰/۲۳۶ (سرمایه اجتماعی خانواده) + ε_i همان طور که در معادله بالا دیده می‌شود، کسب رتبه بالا در کنکور بیشتر از هر متغیر دیگری، از متغیر سرمایه اقتصادی خانواده متأثر است. به عبارت دقیق‌تر، سرمایه اقتصادی خانواده از دیگر سرمایه‌ها تأثیر بیشتری دارد.



در میان مجموع متغیرهایی که وارد مدل شده‌اند، سه متغیر سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی موجود در خانواده تأثیر کاملاً معنی‌داری روی متغیر وابسته دارند و به طور شاخص متغیر سرمایه اقتصادی خانواده، حدود نیمی از تغییرات ($R^2=0/51$) متغیر وابسته را تبیین می‌کند. در مدل رگرسیونی متغیر کسب معدل دیپلم بالا نیز عوامل سرمایه‌های سه‌گانه، جنسیت، تعداد اعضای خانواده و ترتیب تولد در خانواده به عنوان متغیرهای مستقل وارد معادله شده‌اند. بر اساس مدل رگرسیونی به دست آمده، در مجموع، متغیرهای بالا حدود ۶۰ درصد تغییرات متغیر وابسته (کسب

معدل دیپلم بالا) را تبیین می‌کنند ($R^2=0/063$). بنابراین، میزان همبستگی چندگانه (R) ۰/۲۵ و R^2 اصلاح شده^۱ برابر ۰/۰۶۳ است. این نتیجه نشان می‌دهد که اگر چه عامل اقتصادی به اندازه متغیر قبلی نقش عمده‌ای در تبیین متغیر وابسته ندارد، اما در هر حال، از نقش آن در تبیین متغیر کسب معدل دیپلم بالا نیز نباید گذشت. علاوه بر متغیر سرمایه اقتصادی خانواده، متغیرهای دیگری نیز، مانند متغیرهای سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، جنسیت، تعداد اعضای خانواده و ترتیب ولادت در مدل وارد شده بودند که از آن خارج شده‌اند.

جدول ۱۰- شاخص‌ها و آماره‌های تحلیل رگرسیون چند متغیری کسب معدل دیپلم بالا

۰/۲۵	Multiple R	ضریب همبستگی چندگانه
۰/۰۶۳	R Square	ضریب تبیین
۰/۰۵۶	Adjusted R Square	ضریب تبیین واقعی
روش : Stepwise		
تعداد گام‌های طی شده برای رسیدن به مدل نهایی: ۱ گام		

جدول ۱۱- تحلیل واریانس رگرسیون چند متغیری کسب معدل دیپلم بالا

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	کمیت F	سطح معنی‌داری
اثر رگرسیون	۱۳/۹۵	۱	۱۳/۹۵	۹/۰۰۴	۰/۰۰۳
اثر خطا (باقیمانده)	۲۰۷/۷۳	۱۳۴	۱/۵۵۰		
کل	۲۲۱/۶۹۴	۱۳۵	----		

جدول ۱۲- متغیرهای وارد شده به مدل (بر اساس روش Stepwise)

شاخص‌های هم‌خطی	Sig.	t	ضریب رگرسیونی استاندارد شده (Beta)	اشتباه معیار	ضریب رگرسیونی (B)	نام متغیر	شاخص‌های هم‌خطی	
							VIF	Tol.
-----	۰/۰۰۰	۳۱/۹۱۷	-----	۰/۵۳۲	۱۶/۹۸۲	عرض از مبدأ (Constant)	-----	-----
۱/۰۰۰	۰/۰۰۳	۳/۰۰۱	۰/۲۵۱	۰/۰۱۱	۰/۰۳۲	سرمایه اقتصادی	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰

جدول ۱۳- متغیرهای خارج شده از مدل رگرسیونی (بر اساس روش Stepwise)

همبستگی جزئی	Sig.	t	Beta In	نام متغیر
۰/۰۵۳	۰/۵۴۵	-۰/۶۰۷	۰/۰۵۱	جنسیت
-۰/۰۸۸	۰/۳۱۰	-۱/۰۲۰	-۰/۰۸۵	تعداد اعضای خانواده
۰/۱۶۵	۰/۰۵۵	۱/۹۳۵	۰/۱۶۰	ترتیب ولادت
۰/۱۳۵	۰/۱۱۹	۱/۵۷۰	۰/۱۳۹	سرمایه فرهنگی
۰/۰۹۰	۰/۳۰۰	۱/۰۴۱	۰/۰۹۷	سرمایه اجتماعی

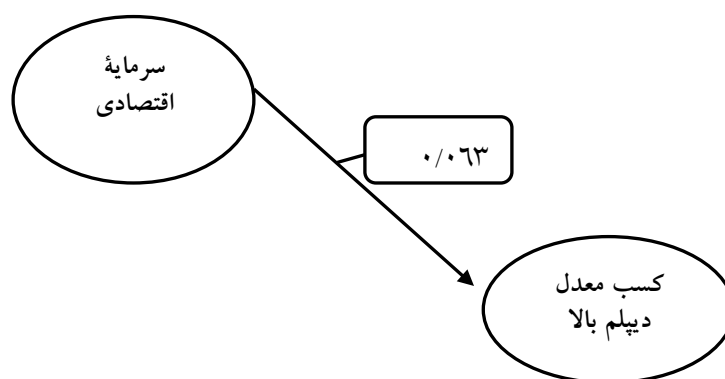
(منبع: تمام جداول ذکر شده، یافته‌های پرسشنامه تحقیق می‌باشد)

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی چندگانه متغیرهای موجود در معادله را می‌توان به صورت استاندارد شده و در رابطه ریاضی زیر چنین نشان داد:

$$Y^* = \beta^*_0 X_0 + \beta^*_1 X_{1i} + \dots + \beta^*_n X_{ni} + \varepsilon_i$$

کسب معدل دیپلم بالا = ۰/۰۶۳ (سرمایه اقتصادی خانواده)

همان طور که در معادله بالا دیده می‌شود، کسب معدل دیپلم بالا بیشتر از هر متغیر دیگری، از متغیر سرمایه اقتصادی خانواده متأثر است؛ به عبارت دقیق‌تر، سرمایه اقتصادی خانواده از دیگر سرمایه‌ها تأثیر بیشتری دارد.



در میان مجموع متغیرهایی که وارد مدل شده‌اند، تنها متغیر سرمایه اقتصادی موجود در خانواده تأثیر معنی‌داری روی متغیر وابسته دارد. همان طور که اشاره شد اگرچه عامل اقتصادی به اندازه متغیر قبلی نقش عمده‌ای در تبیین متغیر وابسته ندارد، اما در هر حال، از نقش آن در تبیین متغیر کسب معدل دیپلم بالا نیز نباید گذشت ($R^2=0.63$).

نتیجه‌گیری

در حال حاضر، بسیاری از کشورها به دلیل افزایش داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها به ناچار آزمون ورودی را به منظور حذف تعداد مازاد بر ظرفیت که برخی‌ها آن را انتخاب بهترین‌ها می‌نامند برگزار می‌کنند. زیرا یکی از ارکان اساسی توسعه در هر جامعه‌ای، موفقیت در تحصیل علم و آموزش در زمینه‌های تخصصی گوناگون و ایجاد فرصت‌های یکسان برای دستیابی همه افراد جامعه در تحصیل علم و آموزش در

زمینه‌های تخصصی گوناگون و ایجاد فرصت‌های یکسان برای دستیابی همه افراد به این منابع است. در بررسی اثر سرمایه‌های سه‌گانه (فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) طبق یافته‌های تحقیق می‌توان بیان کرد که میزان سرمایه‌های سه‌گانه موجود در خانواده‌های پذیرفته‌شدگان، در ۶۷/۳ درصد پایین، ۴۹/۷ درصد متوسط و ۴ درصد بالا بوده است. بنابراین، طبق یافته‌های تحقیق هر چه میزان سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی موجود در خانواده بالاتر و بیشتر باشد، شرایط و امکان به دست آوردن رتبه ممتاز برای فرزندان آن خانواده نیز بیشتر و آماده‌تر می‌شود.

منابع

- اسماعیل علی، سعید. (۱۳۷۷)، *پژوهشی پیرامون چند فلسفه تربیتی معاصر*. ترجمه: عباس عرب، انتشارات آستان قدس رضوی.
- بوردیو، پیر. (۱۳۷۸)، *ذوق و سرمایه فرهنگی*. ترجمه: لیلی مصطفوی، *مجله نامه فرهنگ*، شماره ۳۰.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی نظم*. تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵)، *تحلیل شبکه در جامعه‌شناسی، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی*، دوره دوم، پاییز و زمستان.
- *خبرنامه آموزش عالی*. (۱۳۸۰)، شماره دوم، سال دوم.
- دواس، دی. ای. (۱۳۷۶)، *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*. ترجمه: هوشنگ نایی، نشر نی.
- دورکیم، امیل. (۱۳۷۶)، *تربیت و جامعه‌شناسی*. ترجمه: علی محمد کاردان، انتشارات دانشگاه تهران.

- ساعی، علی. (۱۳۷۴)، بررسی عوامل اکتسابی و انتسابی موفقیت در ورود به دانشگاه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- سرنندی، پرویز. (۱۳۷۲)، بررسی عوامل مؤثر در موفقیت تحصیلی دانشجویان دانشگاه تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- شارون، جوئل. (۱۳۷۹)، ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی. ترجمه: منوچهر صبوری، نشر نی.
- شریعتی، سارا. (۱۳۸۴)، انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- کارنوی، مارتین. (۱۳۶۵)، تعلیم و تربیت در خدمت امپریالیسم فرهنگی. ترجمه: حسن پاشا شریفی، نشر روش نو.
- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه: منوچهر صبوری، نشر نی.
- گرب، ادوارد. (۱۳۷۳)، نابرابری اجتماعی. ترجمه: محمد سیاهپوش، احمدرضا غروری‌زاده، نشر معاصر.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی. ترجمه: منوچهر صبوری، نشر نی.
- لیتل، دانیل. (۱۳۷۳)، تبیین در علوم اجتماعی. ترجمه: عبدالکریم سروش، نشر صراط.
- نورشاهی، نسرين. (۱۳۷۸)، تحولات نظام گزینش دانشجو برای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی در ایران (با تاکید تحولات بین سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۷۶)، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۱۸.
- Alwin, D. F (1991). Family of origin and cohort Differences in verbal ability. American Sociological review,vo:56.
- Ambler, Johns and Neatherly, jody (2001). Education policy and equality. Some evidence from Europe, *Social Science Quarterly*, vo: 80,No,30.

- Ballentine, Jeanne. h (1993). *Sociology of education*. third edition, prentice hallinc.
- Bourdieu, Pierre (1997). *Cultural reproduction and social reproduction in: power and ideology in education*. Edited by Karbel. Jerome etal, New York, oxford university press.
- Brand, Christopher (1997). *The factor mewsletter*, Edinburge.
- Carbonary, William.J (1998). *A little help from my friends parents*. International closure and educational outcomes, Sociologyof education, Vo: 77, No: 4.
- Ching-his, Chang (1991). *Historical trends in the equality of education opportunity in Taiwan*. American Sociological Associalization.
- Conley, Dalton (2001). *Capital for college, parental assets and postsecondary schooling*. Sociology of education, Vo:74 , No: 1
- Husen, Toursten; Postlethwaite, Toneile (1985). *International encyclopedia of education*. Pergamon press.
- Lynch,Katheleen;Claire, Oriorday (1998). Inequality in higher education, a study of class barriers. *British journal of sociology of education*, Vo:19, No:4.
- Maslen, Jeoffrey (1995). *Studu finds class divisions in access to australian higher educatin*. The choronic of higher education, Vo:42 , No:14
- Nakhoie and Curtis, 1998.
- Nevala, Arto (1993). Socio – Economic background of university in finland after world war II. *Scandinavian journal of education research* , Vo:37.
- Pple, Michale.W (1995). *Education and power*. second edition, routlege.
- Sarup , M. (1978). *Marxism and Education*. Landon, Toutledge 8 kegan paul. Vo1 , No. 25.
- Shamai, Samuel (1990). *Critical sociology of education*. Theory in practice, Biritish Journal of sociology of education, Vo:11 , No:4
- Wimberly,Gorgelee (2000). *Links between social capital and educational attainment amony African American adolescents*. Dissertation abstract.

